

## حادثه های فجر و شفق

توضیح مختصری را که متعلق به وقفهای امساک و خفتن (عشاء) بوده و در جدول اوقات نماز در پهلویش "علامت ستاره (\*)" گذاشته شده است، در زیر تقدیم می نمایم. علمای علم فلکیات اسلامی (ستاره شناسان اسلامی) در کتابهای فلکیات که به عنوان "هیأت" و یا "کوزموغرافیا" یاد آوری می شود، این موضوع را یعنی حادثه های فجر و شفق را که مربوط به شهرهاییکه عرضشان در شمال ۴۷ درجه و ۳۳ دقیقه فرار دارد، با توضیحات علمی و مطابق به علم فلکیات، بطور نهایت واضح بیان داشته اند. به این شهرها، "شهرهای قرار داشته در عرض شمالی" نیز گویند. شهرهاییکه در عرض شمالی اروپا، روسیه، کانادا و یا امریکا قرار دارند، درین شمول بررسی میگردند. هیأت شناسان اسلامی (یعنی ستاره شناسان اسلامی) توضیحاتی را که به اوقات نماز شهرهاییکه در عرضهای شمالی قرار دارند مربوط می باشد، در کتابهای خود ارائه نموده اند.

ستاره شناس عالیمقدار اسلامی احمد ضیا بیگ، در کتاب خود بنام "علم هیأت" چنین میگوید: (هر چند به قطب ها نزدیک رفته شود، ابتدای وقفهای نماز بامداد و نماز خفتن، یعنی وقفهای فجر (امساک) و شفق (خفتن) از وقت طلوع و غروب آفتاب دورتر میگردد. یعنی وقت اول نماز بامداد و نماز خفتن به یکدیگر نزدیک میگردد. اوقات نماز هر مملکت، نظر به دوری آنجا از خط استوا [از اکوادور]، یعنی نظر به درجه عرض [عرض=Latitude] و میل آفتاب [Declination] یعنی نظر به ماهها و روزها تغییر می خورد(می کند)). در جاهایی که درجه عرضشان از (میل ۹۰) زیاده می باشد، شب و روز هیچ تحقق نمی یابد. متمم (اتمام کننده اش به ۹۰ درجه، یعنی تمامی) درجه عرضش از (+۱۹ میل) کوچک باشد، یعنی در آن اوقات که مجموع درجه های عرضشان با میل شمس (۷۱=۱۹-۹۰) و یا بیشتر از آن باشد، به عبارت دیگر در ماههای تابستان که میل خورشید از پنج درجه بیشتر می باشد، قبل از نا پدید شدن شفق، فجر شروع می شود.

ستاره شناس اسلامی حسیب بیگ نیز در کتاب خود بنام "قوزموغرافیا" چنین میگوید: "(در محل هاییکه (جاهاییکه) عرض آن محل از ۶۶°۳۳' زیاد (بیشتر) باشد،

روزهای بی شب و شبهای بی روز بوقوع می پیوندند. اگر از این شهر عرض که  $۴۷^{\circ}۳۳'$  می باشد، رو به طرف اکوادور به مسافت  $۱۹^{\circ}$  بطور موازی یک دایره کشیده شود، در جاهاییکه درجات عرضشان بین این دو دایره باشد حوادث فجر و شفق بوقوع می پیوندند. در جاهاییکه متمم های درجات عرضشان (زاویه ایکه درجات عرضشان را به  $۹۰$  درجه اتمام نماید، یعنی تمامی هایشان) از  $(۱۹ + \text{میل})$  کمتر باشد، یعنی در جاها و زمانهاییکه مجموع میل شمس و درجات عرضشان،  $۷۱ = ۱۹ + ۹۰$  و یا بیشتر از آن باشد، قبل از ناپدید شدن آفتاب، فجر شروع می شود. (بدلیل اینکه  $۴۷^{\circ}۳۳' = ۱۹^{\circ}۰۰' + ۴۷^{\circ}۳۳'$  می باشد، در محل هاییکه عرضش از  $۴۷^{\circ}۳۳'$  بیشتر باشد، قبل از ناپدید شدن شفق، [یعنی] ”قبل از ناپدید شدن سرخی در محل غروب خورشید“ فجر شروع می گردد.)

طوریکه ازین توضیحات مستفاد خواهد شد، در محل هاییکه عرضش از  $۴۷^{\circ}۳۳'$  تا به  $۴۶^{\circ}۳۳'$  (  $۴۶^{\circ}۳۳'$  نیز داخل کرده میشود) می باشد، حادثه های فجر و شفق بوقوع می پیوندند و در محل هاییکه در داخل و نزدیک  $(۴۷^{\circ}۳۳')$  در این دایره بود عرض بوجود آمده است قرار دارند، بدلیل اینکه در روزهاییکه به قبل و بعد  $۲۲$  جون (ژون) تصادف می نماید، یعنی در ماههای تابستان، قبل از ناپدید شدن شفق (قبل از ناپدید شدن سرخی در محل غروب آفتاب) فجر شروع می شود، و قتهای امساک و خفتن شروع نمی گردد (یعنی تاریکی شب بمیان نمی آید). به سبب اینکه علمای اهل سنت فرموده اند که: ”در زمانهاییکه این قتها شروع نشده باشد، در اوقات روز اخیر که قتها بوقوع پیوسته باشد، ادا کردن نیکو می باشد“، در پهلوی این قتها ”علامت ستاره“ گذاشته شده، برای اینگونه شهرها، به قسمت پایینی جدول وقت نماز نیز ”علامت ستاره“ نقل گردیده و به پهلوی همین افاده نوشته شده است: ”قتهای امساک و خفتن، و قتهای [امساک و خفتن آخرین روز] می باشد که، امساک بوقوع پیوسته است.“

در اینجا، عرض یک محل هر چند که (چه قدر) از  $۴۷^{\circ}۳۳'$  بزرگ باشد، یعنی به آن مقدار که به قطب نزدیک باشد، به همان نسبت (متناسب به این)، تعداد روزهاییکه به قتهای امساک و خفتن که در پهلویش ”علامت ستاره“ موجود است، مربوط می باشد

بیشتر می شود. یعنی تعداد روز نیز در قبل و بعد ۲۲ جون (ژون) به آن مقدار بیشتر می شود. اگر در یک محل وقت امساک موجود نباشد، وقت خفتن نیز بوقوع نخواهد آمد. یعنی اگر وقت امساک بوقوع نیاید، می گوئیم که وقت خفتن نیز بوقوع نخواهد آمد. در چنین زمانها، وقت امساک و وقت خفتن آخرین روزیکه، در آن روز امساک بوقوع پیوسته باشد تا به زمان بوقوع آمدن وقت امساک، عیناً استعمال میگردد.

در روزهاییکه ”وقت امساک“ بوقوع نمی آید، آن وقت که در پهلوش ”علامت ستاره“ گذاشته شده و عیناً اعلام شده است، وقت امساک می باشد و به حیث وقت امساک تطبیق میگردد و مانند وقفهای امساک روزهای دیگر می باشد. همچنان وقت ”خفتن“ نیز مانند وقت خفتن روزهای دیگر است.

بدلیل اینکه وقفهای امساک و خفتن که با ”علامت ستاره“ اعلام شده است، عیناً مانند دیگر وقفهای ”امساک“ و ”خفتن“ است، در روزهای دیگر که علامت ستاره گذاشته نشده، چگونه نیت میکرده باشیم، لازم می آید تا همانگونه نیت بکنیم و نمازهای خود را همانگونه ادا نمائیم و روزه های خود را نیز همانگونه بگیریم.

در مذهب حنفی، برای اینکه وقت، هم شرط نماز هم سبب نماز است، بدون موجودیت سبب، یعنی بدون دخول وقت، نماز فرض نمیگردد. با وجود این، در نزد بعضی علما، در شبهای کوتاه در کشورهاییکه قبل از ناپدید شدن شفق، فجر شروع می شود، ادا کردن نمازهای بامداد و خفتن نیز فرض می باشد.

بنابراین در زمانهاییکه این دو وقت نماز شروع نشده باشد، این نمازها را ادا کردن در وقفهای آخرین روزیکه، وقفهایشان بوقوع پیوسته باشد، نیکو می شود. در احادیث شریف، در هر روز پنج بار نماز ادا کردن امر کرده شده و پنج بودن عدد نماز فرموده شده است و بعضی علمای اسلام بیان نموده اند که: ”در شبهای کوتاه، در کشورهاییکه قبل از ناپدید شدن سرخی شفق، فجر شروع میشود، نمازهای بامداد و خفتن را نیز ادا کردن فرض می باشد“. بنابراین مانند روزهاییکه در پهلوشان ”علامت ستاره“ موجود نیست، مطابق به اوقاتیکه در پهلوشان ”علامت ستاره“ موجود می باشد عمل نمودن، به

فرموده های همه علما مطابق می شود و با احتیاطی می باشد. مسلمانان، در همه عباداتشان با احتیاط حرکت می نمایند.